

عنوان مقاله:

بررسی استعاره های جهتی در غزلیات شمس

محل انتشار:

فصلنامه متن پژوهی ادبی، دوره 22، شماره 75 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

شکرااله پورالخاص - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

رقیه آلیانی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

خلاصه مقاله:

زبان از فرایندهایی است که خاصیت پیام رسانی و ارجاعی دارد و القاگر مضامین فرهنگی، آداب و رسوم، افکار و اندیشه یک قوم است. زبان از نظر زبان شناسی شناختی، علاوه بر انتقال مضامین ارجاعی، منعکس کننده مضامین شناختی، نظام ادراکی آدمی و القاگر مضامین انتزاعی موجود در ذهن است. بر این اساس، زبان شناسان شناختی بر معنا به عنوان عنصر قالب تکیه می کنند. از جمله نظریه پردازان حوزه معنی شناسی شناختی می توان به لیکاف و جانسون اشاره داشت که از استعاره به عنوان فرایند شناختی برای پیشبرد اهداف خود بهره می گیرند. از نظر لیکاف و جانسون، استعاره مفهومی امری است که سراسر زندگی روزمره را در حوزه شناخت و ادراک مبتنی بر تجربه احاطه می کند و از آنجا که زبان عرفان نیز انتقال دهنده مضامین شناختی و انتزاعی حاصل از تجربه شخصی عارفان است. بنابراین، بررسی استعاره مفهومی در الگوهای عرفانی مولوی به درک هرچه بهتر مفاهیم و مضامین ماورایی و متافیزیکی کمک خواهد کرد. با این توضیح، این پژوهش درصدد است تا با روش توصیفی تحلیلی بر اساس نظریه لیکاف و جانسون، استعاره مفهومی جهتی را در نمادهای حیوانی (پرنندگان) غزلیات شمس بررسی نماید. نتایج پژوهش نشان می دهد که نمادهای متضمن معنای تعالی، از جمله روح و جان و نمادهایی که بیانگر مضامین ضمنی جسم و نفسانیات هستند، به ترتیب با استعاره های جهتی رو به بالا و پایین تطابق معنایی پیدا می کنند و خوشه های استعاری این مضامین نیز با کارکرد سلبی یا ایجابی آن الگوها همنوایی معنایی دارند.

کلمات کلیدی:

لیکاف، جانسون، استعاره جهتی، غزلیات شمس، مولوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/888978>

